



بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل جامعه‌شناختی «دلهره‌ی منزلت» در بین فرزندان شاهد و ایثارگر^۱

احمد غیاثوند^۲

چکیده

مقاله‌ی حاضر در خصوص آسیب‌شناسی منزلت اجتماعی خانواده‌های شاهد و ایثارگر می‌باشد. در این مطالعه وجه آسیب‌شناسانه منزلت اجتماعی خانواده‌ها در قالب روی‌کرد «دلهره‌ی منزلت» مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین آثار و تبعات این دلهره بر نگرش فرزندان ایثارگر نسبت به وضعیت گسترش فرهنگ ایثارگری و روحیه‌ی ایثارگری آن‌ها بررسی شده است. پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام گرفته و جامعه‌ی آماری آن را کلیه‌ی دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور تشکیل می‌دهد؛ به‌نحوی که حجم نمونه‌ی برآوردشده، برابر با 4 هزار و 681 نفر می‌باشد. در نهایت، با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری «چندمرحله‌ای»، استان‌های تهران، خراسان رضوی، لرستان و خوزستان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل، نشان از وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان منزلت اجتماعی پاسخ‌گویان با نگرش به فرهنگ ایثارگری و روحیه‌ی ایثارگری آنان دارد.

کلیدواژه‌ها: منزلت اجتماعی؛ دلهره‌ی منزلت؛ وضعیت فرهنگ ایثارگری؛ روحیه‌ی ایثارگری؛ فرزندان ایثارگر؛ دوران جنگ و صلح.

^۱- این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «بررسی میزان آگاهی و نگرش جوانان نسبت به عملکرد ایثارگران و مقایسه‌ی آن با نظرات فرزندان ایثارگر» می‌باشد که با حمایت‌های معنوی و مادی معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران انجام شده است.

^۲- دانشجوی دوره‌ی دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی



1. بیان موضوع

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنگ تحمیلی بعد از حدود 20 ماه به وقوع پیوست. این رخداد، گرچه از یک دیدگاه مانعی بزرگ بر سر راه برخی از اهداف گسترده‌ی انقلاب اسلامی بود؛ ولی از جهتی، باعث تسهیل در نهادینه‌سازی ارزش‌ها و نهادهای انقلابی گردید. در واقع، هشت سال دفاع مقدس، موجب شکل‌گیری ارزش‌های دینی، انقلابی و ملی نوینی گردید که می‌توان از آن به‌عنوان «فرهنگ ایثارگری» یاد نمود؛ به‌طوری‌که ایثارگری و تثبیت فرهنگ آن، یکی از عوامل پایداری و شکل‌گیری انقلاب اسلامی گردید. «رفیع‌پور» در کتاب «توسعه و تضاد»، از دفاع و حضور جوانان در جبهه‌ها به‌عنوان یک ارزش و هنجار یاد می‌کند: «حمله‌ی عراق به ایران که از سوی عامه‌ی مردم ناجوانمردانه و توهین به غرور ملی تلقی می‌شد، چنان احساسات ملی را برانگیخت که مقابله با آن و دفاع از وطن به یک «ارزش اجتماعی» تبدیل شد (رفیع‌پور، 1380: 137) و حرکت جوانان به‌سوی جبهه‌ها با پیام‌های پرنفوذ رهبر نیز خود، یک جریان «هنجار درونی» را به‌وجود آورد که تدریجاً همه‌ی قشرها را فراگرفت. این فشار درونی هنجاری موجب شد که بسیاری از جوانان خانه‌ها را به‌سوی جبهه‌ها ترک کنند (همان). بنابراین، با تثبیت ارزش‌ها و هنجارهای دینی و انقلابی، فرهنگ ایثارگری، جایگاه و مقام بالایی پیدا نمود و جامعه به نقش و اهمیت ایثارگران و فداکاری خانواده‌های‌شان پی بردند؛ چرا که کنش ایثارگرانه‌ی آن‌ها، موجب مصونیت جامعه در برابر تجاوز دشمن شد.

با پایان دوران جنگ، وضعیت فرهنگ ایثارگری در جامعه تغییر یافت و آثار و کارکردهای آن نیز دگرگون شد. بی‌تردید، هرچه از دوران جنگ فاصله می‌گیریم، فضای عملکرد ارزش‌ها و هنجارهای ایثارگری در بوت‌های نقد و عقلانیت مدرن گرفتار می‌آید؛ تا آن‌جا که بسیاری از دست‌آوردهای جنگ مورد بازبینی و آسیب‌شناسی قرار می‌گیرند. در این راستا، با تاریخی‌شدن چنین حادثه‌ای، دو نکته را می‌توان استنباط نمود: نخست این‌که، هر نسلی، در هر دوره‌ای با نگاه خود به گذشته می‌نگرد و با توجه به



وضعیتی که در آن به سر می برد گذشته را بازخوانی و بازنویسی می کند که حاصل آن، شکل گیری نگاه جدیدی نسبت به گذشته است. دوم این که، قابلیت یک حادثه ی بزرگ تاریخی و تا اندازه ای ویژگی آن، بر این است که توانایی پاسخ گویی به نیازها را با روش های متفاوت در وضعیت های گوناگون دارد. پس شاهد هستیم که روی کرد «حماسی عقیدتی» جنگ، جای خود را به روی کرد «عقلانی انتقادی» دوره ی صلح سپرد؛ گرچه چنین روی کردی، مدعی بازآفرینی و انتقال تجربیات و ارزش های گذشته از زوایای نوین است.

در این مطالعه، امری که می توان از آن به عنوان آسیب شناسی منزلت اجتماعی خانواده های ایثارگر یاد نمود عمدتاً به نظر فرزندان ایثارگر و نیز افراد جامعه نسبت به وضعیت کنونی منزلت اجتماعی آن ها مربوط می شود. به عبارتی: میزان پذیرش و منزلت اجتماعی خانواده های ایثارگر در یک ارتباط معنایی و پیچیده با نحوه ی گسترش و ترویج فرهنگ ایثارگری از یک سو و وضعیت شرایط اجتماعی موجود از سوی دیگر، وجه آسیب شناسانه به خود می گیرد که از طریق روی کرد «دلهره ی منزلت» قابل تبیین است. خود این امر، آثار و تبعاتی در پی دارد؛ به نحوی که وجود بسیاری از مسایل و مشکلات روانی اجتماعی فرزندان و خانواده های ایثارگر و چالش ها موجود در به کارگیری و بهره مندی از ارزش ها و هنجارهای ایثارگری در دوران صلح، از این منظر قابل تحلیل و تبیین می باشد.

2. ملاحظات نظری



در بحث از رابطه‌ی وضعیت منزلت اجتماعی با فرهنگ و کنش ایثارگری فرزندان ایثارگر، از تئوری‌های مختلف به‌ویژه از نظریه‌ی تالکوت پارسونز استفاده می‌گردد. اجزای اصلی سازنده‌ی نظریه‌ی کنش پارسونز، نظام‌های اجتماعی، شخصیتی، فرهنگی و ارگانیک رفتار می‌باشند. ارگانیکسم زیست‌شناختی، نوعی نظام کنش است که کارکرد تطبیقی‌اش را از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان خارجی انجام می‌دهد. نظام شخصیتی، کارکرد دستیابی به هدف را از طریق تعیین هدف‌های نظام و بسیج منابع برای دستیابی به آن‌ها انجام می‌دهد. نظام اجتماعی، با تحت نظارت‌درآوردن اجزای سازنده‌اش کارکرد یک‌پارچگی را انجام می‌دهد و سرانجام، نظام فرهنگی، کارکرد سکون را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آن‌ها را به کنش برمی‌انگیزند، انجام می‌دهد (ریترز، 1375: 120-140).

از منظر پارسونز، کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان می‌یابد و هنجارها، کنش فرد را در جهت هم‌نوایی سوق می‌دهد؛ یعنی، فرد را با خواست نظام انطباق می‌دهد. گرچه افراد از نتایج رفتار خود آگاه نیستند؛ ولی هدف و غایت دارند؛ یعنی، همان عقلانی بودن. در مجموع، فرد به‌طور ارادی و داوطلبانه، کنش خود را در یک قالب اجتماعی انجام می‌دهد. از سویی، پارسونز معتقد است که نظام فرهنگی، میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند. فرهنگ در نظام اجتماعی به‌صورت هنجارها و ارزش‌ها تجسم می‌یابد و در نظام شخصیتی ملکه‌ی ذهن کنشگران می‌شود (همان: 139).

از این رو، کنش، ناشی از موقعیت و نقش اجتماعی فرد در جامعه است. «آمیزه‌ی نقش - منزلت را به‌عنوان واحد بنیادی در بررسی نظام اجتماعی می‌توان به‌کار برد که جنبه‌ای از یک عنصر سازنده‌ی ساختاری در نظام اجتماعی به‌شمار می‌آید. منزلت،



به یک جایگاه ساختاری در داخل نظام اجتماعی اطلاق می‌شود و نقش همان کاری است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد. سه عامل انظارات، هنجارها و تضمین‌ها عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نقش‌ها در کنش متقابل هستند» (توسلی، 1373).

در بحث از رویکردهای مختلف درباره‌ی قشربندی اجتماعی، مارکس بیش از هر چیز بر بعد اقتصادی طبقه تکیه نمود. نظریه‌ی ماکس وبر نیز بر پایه‌ی تحلیل مارکس بنا گردید؛ اما وی دو جنبه‌ی اساسی دیگر قشربندی را علاوه بر طبقه تشخیص می‌دهد. او یکی از آن‌ها را پایگاه (Status) و دیگری را حزب (Party) می‌نامد (گیدنز، 1385: 225).

پایگاه، به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی که دیگران برای آن‌ها قایل می‌شوند، اطلاق می‌گردد. تمایزات پایگاهی اغلب از تقسیمات طبقه‌ای مستقل است و احترام اجتماعی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اگرچه طبقه به‌طور عینی معین می‌شود، پایگاه به ارزیابی‌های ذهنی افراد بستگی دارد. طبقات از عوامل اقتصادی مربوط به دارایی و درآمد نشأت می‌گیرد؛ پایگاه بوسیله شیوه‌های زندگی گوناگونی که گروه‌ها دنبال می‌کنند تعیین می‌گردد (گیدنز، 1385: 226). پایگاه به معنی موقعیت و جایگاهی است که یک فرد می‌تواند در جامعه یا در یک گروه اجتماعی اشغال کند. از سویی پایگاه‌ها کارکردهایی دارند که آن‌ها را نقش (Role) می‌نامند. پس، نقش‌ها وابسته با پایگاه‌ها و رفتارهای خاصی هستند که از اشغال‌کنندگان یک پایگاه انتظار می‌رود (ببی، 1386: 35).

اگر در یک نظام اجتماعی (Social system) موقعیت‌های اجتماعی به‌طور متفاوت ارزیابی شوند؛ یعنی، از نظر اهمیت و ارزش درجه‌بندی شوند، در آن صورت مقام یا پایگاه اجتماعی (Social status) به‌وجود می‌آید (برگر، 1998: 383 به نقل از رفیع‌پور). از طریق پایگاه «یک ارزیابی اجتماعی مثبت یا منفی از عزت نفس یک فرد براساس یکی از خصوصیات مشترک اعضای



(گروه) انجام می‌گیرد (و بر، 1976: 683). پایگاه، جایگاه یک فرد را در سلسله‌مراتب درون یک گروه براساس منزلت (Prestige) و امتیازات و تفاوت او با دیگر اعضا تعیین می‌کند (Lovaglia & Houser, 1996: 868). «مارشال» با صراحت منزلت را هم‌معنا با پایگاه می‌داند. «آلن بیرو» بیان می‌دارد: اعتبار اجتماعی (منزلت) نفوذ و اعتباری است که دیگران به شخص به جهت خصایص گوناگون و کم‌وبیش واقعی که به او منتسب می‌دارند، می‌بخشد (بیرو، 1366: 293). زیمل (1950) آن را پدیده‌ای نسبی و مبتنی بر ارزش نهادن و به رسمیت شناختن مدعی اشغال‌کننده‌ی پایگاه توسط جامعه توصیف کرده‌اند. آیزنشتات (1968) منزلت را یک پاداش اجتماعی بنیادی و نماد پایگاه فرد مورد نظر تعریف می‌کند (ملک، 1383: 8). پس، منزلت اجتماعی به مجموعه‌ای از امتیازات و پاداش‌ها اطلاق می‌گردد که افراد جامعه به یک نقش می‌دهند که برخاسته از میزان مؤثر و مفیدبودن آن نقش با توجه به فضای حاکم و موجود می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که منزلت اجتماعی، موقعیتی است که فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی در رابطه با اهمیت و ارزشی که نقش اجتماعی وی در جامعه دارد، به دست می‌آورد.

به نظر برگر و همکاران، عواملی که موجب باارزش شدن موقعیت‌ها می‌گردند، براساس سه نوع مرجع ساختاری ارزیابی می‌شوند: 1- ساختار وابستگی گروهی (Categorical structure) که در آن انسان‌ها براساس تعلق‌شان به یک گروه برتر نژادی، شغلی یا مذهبی ارزیابی می‌شوند. 2- ساختار توانایی (Ability structure) وقتی که انسان‌ها براساس توانایی‌های‌شان ارزیابی شوند. 3- ساختار نتایج (Outcome structure) وقتی انسان‌ها بر اساس نتایج کارشان ارزیابی شوند (رفیع‌پور، 1382: 420).



لیپست و همکاران بیان می‌دارند که روابط میان ابعاد مختلف قشر بندی در جوامع و در دوره‌های گوناگون تغییر می‌کنند. این روابط در طول دوره‌های تغییر اجتماعی سریع (مانند وضعیت پس از جنگ) سست‌ترین وضعیت را دارند. این نوع تغییرات می‌تواند شامل تغییر در ارزش‌های اجتماعی، پیدایش مشاغل جدید، جابه‌جایی در هرم قدرت و تغییر در پایگاه اجتماعی افراد شود که نتیجتاً باعث پدید آمدن عدم تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی شده و به دنبال آن ناسازگاری منزلتی اجتماعی در بین قشر خاصی از افراد جامعه بروز نماید (لیپست، 1381). چنان‌چه بعضی از یافته‌ها نشان می‌دهد، بسیاری از افراد یا گروه‌ها در اثر فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی یا ناسازگاری منزلتی دچار فشار و تنش‌هایی می‌شوند که در برابر آن‌ها به صورت نگرشی و رفتاری عکس‌العمل‌های مشکل‌ساز و بحران‌آفرینی از خود نشان می‌دهند (برگر، 1992). هم‌چنین بررسی یافته‌های موجود در زمینه‌ی مشکلات روانی اجتماعی بازماندگان جبهه‌های جنگ نشان می‌دهد که نوع نگرش و برداشت ذهنی افراد نسبت به جایگاه اجتماعی خویش (منزلت اجتماعی)، علاوه بر عوامل مؤثری که در طول رشد و در زمانی که تصور از خویشتن (Self-concept) شکل می‌گیرد، به عوامل دیگری مانند، روابط با هم‌سالان، استقلال، خودکفایی، وضعیت مادی، تحصیلات، تأهل، روابط با اعضای خانواده و نوع نگرش مسؤولین و توده‌ی مردم بستگی دارد (کوهن، 1997؛ کلمن، 1995). بنابراین، وقتی ساختار اجتماعی به گونه‌ای تغییر یابد که منزلت اجتماعی افراد گروه آن چنان‌که مورد انتظارات است، برآورده نمی‌شود، موجب دلهره‌ی منزلت می‌گردد. پس، در واقع، این افراد و فضای اجتماعی می‌باشد که ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را مورد ارزش گذاری قرار می‌دهد.



«دلهره‌ی منزلت یا دلهره‌ی مقام، نوعی اضطراب روانی است که هنگامی رخ می‌دهد که در مجموعه‌ی منزلت‌های فرد تضاد موجود باشد. به عبارتی: محیط اجتماعی وی، اعتباری را که حقیقتاً به او تعلق دارد نسبت به او ادا نمی‌کند» (لاور، 1372: 161).

دلهره‌ی منزلت شامل موارد زیر است:

الف) حاشیه‌ای بودن: یکی از انواع منزلت، حاشیه‌ای بودن است. به عبارت دیگر: حاشیه‌ای بودن عبارت است از زندگی فرد در دو یا چند دنیای اجتماعی بدون آن که به هیچ‌یک از آن‌ها کاملاً تعلق داشته باشد. حاشیه‌ای بودن منزلت، برای گروه اضطراب روانی تولید می‌کند. «هیوز» بیان می‌دارد که فرد ممکن است از پنج طریق بکوشد حاشیه‌ای بودن خود را تقلیل دهد:

یکی این که دست از مبارزه شسته و به منزلت قبلی خود رجعت کند، دوم این است که بگذارد یکی از منزلت‌های وی به‌عنوان یک منزلت نابود گردد. طریقه‌ی سوم این است که وی از منزلتی که با سایر اهداف منزلتی او تداخل می‌کند، کناره‌گیری کند (Everett, 1949: 405-13). چهارم این که، فرد ممکن است یک یا چند منزلت خود را به‌صورتی بازتعریف شده بیابد که موجب حل تضاد مزبور گردد. بالأخره، نظام اجتماعی ممکن است به‌نحوی تغییر کند یا تغییر داده شود که گروه حاشیه‌ای تبدیل به بخش ادغام‌شده‌ای در مجموعه‌ی اجتماعی گردد. بدین ترتیب، طبق فرمول‌بندی هیوز، نوعی از دگرگونی (چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی) برای تقلیل حاشیه‌ای بودن ضروری است (هیوز، 1949: 58-65). هیوز مدعی است که چنین منزلتی، نتیجه‌ی دگرگونی سریع است؛ اگرچه خود نیز به‌عنوان عامل دگرگونی به‌حساب می‌آید.

ب) ناهم‌آهنگی در منزلت‌ها: نوع دوم دلهره‌ی مقام و منزلت از نبود آن‌چه که غالباً به نام تبلور منزلت، یا هم‌گرایی منزلت‌ها یا هم‌آهنگی منزلت‌ها عنوان می‌شود، ناشی می‌گردد. همان‌طور که «لنسکی» استدلال کرده است، ناهم‌آهنگی منزلت‌ها «بعد



غیرعمودی» منزلت است (لنسکی، 1954: 405-413). بدین معنی که منزلت پدیده‌ای یک بعدی نیست؛ بلکه «مجموعه‌ای از موقعیت‌ها در مجموعه‌ای از سلسله‌مراتب مربوطه» است.

ج) کناره‌گیری از منزلت: نوع سوم دلهره‌ی منزلت، توسط «هیگن» مشخص گردیده است. او تأکید شدیدی بر این امر داشت که یک گروه در یک جامعه، ممکن است دچار کناره‌گیری از منزلت گردد. این به معنی از دست رفتن منزلت گروه به خصوصی است که زمانی از آن برخوردار بوده‌اند. در واقع، این گروه به مرور زمان تحرک رو به پایینی خواهد داشت. این نوع از دلهره‌ی منزلت با نوع اول (حاشیه‌ای بودن) که مضمون آن کوششی برای تحرک رو به بالاست و با نوع دوم (ناهم‌آهنگی منزلت‌ها) که اشاره‌ای به تحرک ندارد متفاوت است (همان: 162).

از این رو، بحث دلهره‌ی منزلت در بین فرزندان ایثارگر از این حیث قابل مطالعه است که نوعی برداشت متفاوت و ناهم‌سان در نگرش پاسخ‌گویان نسبت به وضعیت منزلت اجتماعی خانواده‌ها مشاهده می‌گردد؛ در واقع از یک سو، فرزندان ایثارگر احساس منفی‌تری نسبت به میزان منزلت اجتماعی خود در مقایسه با افراد عادی جامعه دارند و از سوی دیگر، شرایط اجتماعی دوران صلح به گونه‌ای نیست که انتظارات و توقعات خانواده‌ها را در خصوص منزلت اجتماعی برآورده سازد؛ به نحوی که بین احساس و عمل افراد عادی نسبت به منزلت اجتماعی خانواده‌ها نوعی ناهم‌آهنگی مشاهده می‌گردد. این ناهم‌سانی در نگرش را، هم در ایفای نقش ایثارگرانه و هم در دادن امتیاز به فرزندان ایثارگر می‌توان به خوبی ملاحظه نمود. در نهایت، با توجه به استدلال نظری فوق، می‌توان سؤالات اساسی مورد مطالعه را چنین برشمرد:



1. فرزندان ایثارگر نسبت به وضعیت منزلت اجتماعی خود چه برداشتی دارند؟ این وضعیت در مقایسه با نگرش افراد عادی

چه گونه قابل تبیین و مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد؟

2. وضعیت منزلت اجتماعی از منظر فرزندان چه رابطه‌ای با فرهنگ ایثارگری و روحیه‌ی ایثارگری آن‌ها دارد؟ جنبه‌های

آسیب‌شناسانه‌ی این تأثیرگذاری چه گونه قابل تحلیل و تبیین است؟

3. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش «پیمایش» انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل «کلیه‌ی جوانان دانش‌آموز و دانشجوی سراسر کشور (اعم از فرزندان ایثارگر و عادی) در سال‌های 1385 و 1386 می‌باشد. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد نمونه‌ی برآوردشده حدود 4 هزار و 681 نفر می‌باشند. شیوه‌ی نمونه‌گیری از نوع «نمونه‌گیری چندمرحله‌ای» است؛ به نحوی که در نهایت، از مدارس متوسطه و دانشگاه‌های دولتی استان‌های تهران، خوزستان، لرستان و خراسان رضوی، داده‌های لازم گردآوری شده است.

4. یافته‌های پژوهش

1-4. ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان



تعداد کل دانش‌آموزان و دانشجویان مورد مطالعه برابر با 4 هزار و 681 نفر (1901 فرزندانیثارگر و 2 هزار و 780 نفر افراد عادی) می‌باشند. از این تعداد، 54/5 درصد را دختران و 45/5 درصد را پسران تشکیل می‌دهند. طبق یافته‌های به‌دست‌آمده، میانگین سن افراد نمونه حدود 18 سال می‌باشد. در این میان، حدود 25/5 درصد 14 تا 15 سال، 26/1 درصد 16 تا 17 سال، 13/5 درصد 18 تا 19 سال، 14/8 درصد 20 تا 21 سال و 20/1 درصد 22 سال یا بیش‌تر سن دارند. همچنین 43 درصد آن‌ها دانشجو و 57 درصد دانش‌آموز هستند. یافته‌های به‌دست‌آمده در خصوص محل تحصیل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که 12/1 درصد دانشجویان از دانشگاه شاهد، 4/6 درصد از دانشگاه علامه طباطبایی، 1/5 درصد از دانشگاه تربیت‌مدرس، 3/5 درصد از دانشگاه علم و صنعت، 9/4 درصد از دانشگاه شهید چمران اهواز، 7/8 درصد از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و 6/4 درصد از دانشجویان دانشگاه لرستان می‌باشند. در بین دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه، 8/4 درصد از شهر خرم‌آباد، 10/3 درصد از شهر مشهد، 9/4 درصد از شهر اهواز و 28/9 درصد از شهر تهران انتخاب شده‌اند.

2-4. وضعیت منزلت اجتماعی خانواده‌های ایثارگر

جهت بررسی میزان منزلت اجتماعی خانواده‌های ایثارگر، سه شاخص در نظر گرفته شده است. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر آن است که در بین افراد عادی 11 درصد کاملاً، 15/5 درصد در حد خیلی زیاد و 23 درصد در حد زیاد و در مقابل 4/7 درصد از فرزندان ایثارگر به‌طور کامل، 5/5 درصد در حد خیلی زیاد و 10/5 درصد در حد زیاد اذعان نموده‌اند که خانواده‌های ایثارگر، مورد احترام و استقبال مردم جامعه هستند. نتایج سؤال «تا چه حد فکر می‌کنید افراد جامعه نسبت به فرزند شاهد و ایثارگر، نگرش منفی دارند؟» نشان می‌دهد که 3 درصد پاسخ‌گویان عادی به‌طور کامل، 6/9 درصد در حد خیلی زیاد و 11/4 درصد در



حد زیاد اذعان به عدم خوش‌بینی افراد جامعه نموده‌اند و در مقابل، $4/7$ درصد از فرزندان ایثارگر به‌طور کامل، $13/4$ درصد خیلی زیاد و $19/4$ درصد در حد زیاد آن را تأیید کرده‌اند. درباره‌ی «معرفی‌شدن به‌عنوان فرزند ایثارگر (شهید، جانباز یا آزاده)» یافته‌ها بیانگر آن است که افراد عادی $8/3$ درصد بطور کامل، $10/5$ درصد در حد خیلی زیاد و $10/9$ درصد در حد زیاد و در مقابل فرزندان ایثارگر $24/6$ درصد بطور کامل، $13/4$ درصد در حد خیلی زیاد و $16/3$ درصد در حد زیاد بدان اشاره نموده‌اند.

جدول 4-2: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان منزلت اجتماعی خانواده‌ها

سؤالات	نوع پاسخ‌گو	اصلاً	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً	جمع
به نظر شما خانواده‌های شاهد، جانباز یا آزاده تا چه حد مورد احترام و پذیرش مردم جامعه می‌باشند؟	ایثارگر	6/6	16/8	22	33/9	10/5	5/5	4/7	100
	عادی	2/3	4/8	10/5	32/9	23	15/5	11	100



100	4/7	13/4	19/4	26/7	16/1	11/2	8/4	ایثارگر	تا چه حد فکر می کنید افراد جامعه نسبت به
100	3	6/9	11/4	29/9	18/3	20/1	10/5	عادی	فرزندان شاهد و ایثارگر، نگرش منفی دارند؟
100	24/6	13/4	16/3	21/9	9/5	7/4	7	ایثارگر	تا چه اندازه دوست داشتید به عنوان فرزند
100	8/3	10/5	10/9	18/9	12/5	10/1	28/9	عادی	ایثارگر (شهید، جانباز یا آزاده) شناخته می شدید؟

3-4. رابطه‌ی نوع پاسخ‌گو با میزان منزلت اجتماعی خانواده‌های ایثارگر

نتایج استفاده از آزمون t درباره‌ی میزان احترام قایل شدن پاسخ‌گویان نسبت به خانواده‌های ایثارگر، بیانگر آن است که میانگین نگرش فرزندان ایثارگر برابر با $3/6$ و در بین افراد عادی برابر با $4/6$ می‌باشد. با عنایت به کمیت آزمون مربوطه و نیز سطح معناداری متناظر، می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان و دانشجویان عادی در مقایسه با فرزندان ایثارگر، نگرش مطلوب‌تری نسبت به خانواده‌های ایثارگر دارند.



بررسی صورت گرفته پیرامون ارزیابی افراد جامعه نسبت به فرزندان ایثارگر نشان می‌دهد که میانگین نگرش فرزندان ایثارگر برابر با 3/96 و برای دیگر پاسخ‌گویان مساوی با 3/03 می‌باشد. براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در این‌باره فرزندان ایثارگر، ارزیابی منفی‌تری نسبت به خود دارند. این تفاوت در نگرش‌ها، از طریق آزمون t و نیز آزمون‌های χ^2 و V کرامر ($\chi^2=1100$ & $V= 0/49$, $S=0/000$) ثابت شده‌است. نتایج استفاده از آزمون t جهت بررسی نظرات افراد نمونه در خصوص معرفی شدن به‌عنوان فرزند ایثارگر معنادار شده است ($S=0/000$). این یافته‌ها بدان معناست که فرزندان ایثارگر، بیش از افراد عادی مورد مطالعه دوست داشتند در سطح جامعه به‌عنوان فرزند ایثارگر شناخته شوند.

در مجموع، یافته‌های حاصل درباره‌ی میزان منزلت اجتماعی خانواده‌های ایثارگر از منظر پاسخ‌گویان نشان دهنده‌ی آن است که فرزندان ایثارگر، نگرش به‌مراتب منفی‌تری نسبت به منزلت خود در مقایسه با افراد عادی دارند و از سوی افراد عادی نیز تمایل کم‌تری برای ایفای نقش یک فرزند ایثارگر مشاهده می‌گردد ($S=0/000$).

جدول 3-4: نتایج آزمون t درباره‌ی وضعیت فرهنگ ایثارگری بر حسب نوع پاسخ‌گو

شاخص‌ها	پاسخ‌گویان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون
احترام و پذیرش خانواده‌ها توسط مردم	ایثارگر	1889	3/6	1/44	$t = 23/3$
	عادی	2748	4/6	1/41	$=0/000$



S					
t = 20/7	1/58	3/96	1858	ایثارگر	نگرش منفی افراد جامعه
=0/000	1/35	3/03	2676	عادی	
S					
= 23/06	1/84	4/72	1871	ایثارگر	معرفی شدن به عنوان فرزند ایثارگر
t					
=0/000	2	3/37	2737	عادی	
S					
t = 5/8	3/47	12/34	2843	ایثارگر	منزلت اجتماعی خانواده‌ها
=0/000	3/23	12/94	2617	عادی	
S					

4-4) وضعیت فرهنگ ایثارگری در جامعه

برای بررسی نگرش پاسخ‌گویان نسبت به وضعیت فرهنگ ایثارگری در سطح جامعه از سه شاخص استفاده شده است. نتایج

حاصل نشان می‌دهد که در بین افراد عادی 17/2 درصد در حد زیاد، 12/9 درصد در حد خیلی زیاد و 6/5 درصد به طور کامل و



در مقابل در بین فرزندان ایثارگر $11/5$ درصد در حد زیاد، 6 درصد در حد خیلی زیاد و $2/2$ درصد به طور کامل بیان نموده‌اند که مردم برای آثار و ارزش‌های دفاع مقدس اهمیت قایلند. همچنین درباره‌ی سؤال «تا چه اندازه فکر می‌کنید ارزش‌های ایثارگری و شهادت‌طلبی در جامعه به تدریج در حال کم‌رنگ شدن هستند؟» نتایج به دست آمده از نظرات افراد عادی نشان دهنده‌ی آن است که $27/7$ درصد در حد زیاد، $18/2$ درصد در حد خیلی زیاد و $5/9$ درصد به طور کامل آن را تأیید کرده‌اند و در مقابل در بین فرزندان ایثارگر $29/4$ درصد در حد زیاد، $26/9$ درصد در حد خیلی زیاد و 9 درصد به طور کامل موافقت خود را با گزاره‌ی مذکور بیان داشته‌اند. در زمینه‌ی میزان دفاع و فداکاری مردم در موقع جنگ، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بین افراد عادی $22/5$ درصد میزان حضور و فداکاری مردم را در عرصه‌ی دفاع در حد زیاد و $18/6$ درصد در حد خیلی زیاد و $11/1$ درصد به طور کامل برآورد کرده‌اند و همین‌گونه در بین فرزندان ایثارگر $23/5$ درصد در حد زیاد و $15/1$ درصد در حد خیلی زیاد و $9/3$ درصد به طور کامل برآورد شده است.



جدول 4-4: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب شاخص‌های وضعیت فرهنگ ایثارگری در جامعه

وضعیت فرهنگ ایثارگری در جامعه	نوع پاسخ‌گو	اصغر	خیلی کم	کم	تأخذه‌ودی	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً	جمع
تا چه اندازه فکر می‌کنید ارزش‌های ایثارگری و شهادت- طلبی در جامعه به تدریج در حال کم‌رنگ شدن هستند؟	ایثارگر	1/7	5/5	7/5	20	29/4	26/9	9	100
	عادی	4/1	7/9	12/1	24/2	27/7	18/2	5/9	100
تا چه حد افراد جامعه برای آثار و دست‌آوردهای جنگ و دفاع مقدس ارزش و اهمیت قایلند؟	ایثارگر	6/3	23/2	23/2	27/6	11/5	6	2/2	100
	عادی	3/7	12/9	16/8	30	17/2	12/9	6/5	100
چنانچه جنگ شود، تا چه حد فکر می‌کنید مردم جامعه حاضر به دفاع و فداکاری هستند؟	ایثارگر	4/3	10/6	10/7	26/6	23/5	15/1	9/3	100
	عادی	4/6	10/1	9/8	23/2	22/5	18/6	11/1	100



5-4. رابطه‌ی نوع پاسخ‌گو با وضعیت فرهنگ ایثارگری

میانگین نظرات فرزندان ایثارگر درباره‌ی میزان اهمیت قایل‌شدن مردم جامعه نسبت به آثار و دست‌آوردهای جنگ برابر با $3/42$ و در مقابل میانگین نظرات پاسخ‌گویان عادی مساوی با $4/09$ می‌باشد. با توجه به نتایج محاسبه‌شده از طریق آزمون t می‌توان بیان داشت که نظرات افراد عادی به مراتب مثبت‌تر نسبت به اهمیت مردم به ارزش‌های دفاع مقدس می‌باشد. این نتایج از طریق آزمون‌های χ^2 و V کرامر ($\chi^2=230$ & $V= 0/22$ ، $S=0/000$) نیز ثابت شده است. هم‌چنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که فرزندان ایثارگر نسبت به افراد عادی بیش‌تر به کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های شهادت‌طلبی و ایثارگری در جامعه اشاره داشته‌اند، به‌گونه‌ای که میانگین نظرات آن‌ها به ترتیب $4/87$ و $3/90$ می‌باشد. هم‌چنین مقدار آزمون t برابر با $22/5$ و در سطح مطلوبی معنادار شده است. توصیف آماری به‌دست‌آمده در زمینه‌ی دفاع مردم در صورت رخداد جنگ، حاکی از آن است که میانگین نظرات فرزندان ایثارگر برابر با $4/37$ و در بین افراد عادی برابر با $4/49$ می‌باشد. نتیجه‌ی آزمون t در سطح معناداری مورد تأیید قرار گرفته است.

در مجموع، بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان و دانشجویان عادی مورد مطالعه نگرش مثبت‌تری در مقایسه با فرزندان ایثارگر نسبت به وضعیت و جایگاه کنونی فرهنگ ایثارگری دارند. این امر از آن‌جا ریشه می‌گیرد که این افراد بر این اعتقادند که ارزش‌ها و هنجارهای کنونی حاکم بر جامعه بایستی عمدتاً مبتنی بر فضای جنگ باشد و گرنه دست‌آوردهای دفاع مقدس کم‌تر مورد توجه مردم هستند.



جدول 4-5: نتایج آزمون t درباره‌ی شاخص‌های فرهنگ ایثارگری بر حسب نوع پاسخ‌گو

شاخص‌ها	پاسخ‌گویان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون
میزان اهمیت دست‌آوردهای جنگ	ایثارگر	1871	3/42	1/39	t = 15/5
	عادی	2760	4/09	1/51	=0/000 S
کم‌رنگ‌شدن ارزش‌ها	ایثارگر	1876	4/87	1/37	t = 22/5
	عادی	2761	3/90	1/51	=0/000 S
نگرش به دفاع در صورت وقوع جنگ	ایثارگر	1875	4/37	1/56	t = 2/6
	عادی	2764	4/49	1/62	=0/009 S
وضعیت فرهنگ ایثارگری	ایثارگر	1854	10/91	3/18	t = 10/1



=0,000	3/33	12/68	2737	عادی	
S					

6-4. وضعیت روحیهی ایثارگری پاسخ‌گویان

در بحث از کنش ایثارگرانه، می‌توان آن را نوعی آمادگی برای عمل ایثارگری دانست که بر حسب فضای جامعه و نیز افرادی که آن را انجام می‌دهند، متفاوت است. به عبارتی: می‌توان برای عمل ایثارگری بر حسب شرایط مورد تعریف، اهداف و ابزار رسیدن به اهداف، روحیات مختلفی را پیش‌بینی نمود. جهت سنجش روحیهی ایثارگری فرزندان ایثارگر، از نظریه‌ی «بی‌هنجاری» مرتن استفاده شده است. البته با توجه به این که رفتار و انجام عمل در این رویکرد تبدیل به روحیه و آمادگی می‌گردد و در کنار آن، شرایط و فضای عملکردی نیز طرح می‌گردد که تا حدودی از الگوی اصلی این رویکرد فاصله می‌گیرد؛ بنابراین، پنج نوع روحیهی ایثارگری حاصل می‌گردد:

1. روحیهی احساس تقید به ایثارگری (تقیدگرایانه): نوعی آمادگی برای عمل است که فرد در عین این که اهداف فرهنگ و عملکرد ایثارگری را پذیرفته است، ابزار آن؛ یعنی، کنش شهادت‌طلبانه، جانبازی و اسارت را نیز به‌طور داوطلبانه و اختیاری قبول دارد.



2. روحیه‌ی احساس تکلیف نسبت به ایثارگری (تکلیف‌گرایانه): نوعی آمادگی برای عمل است که در نظر کنشگر، اهداف ایثارگری مورد پذیرش واقع شده؛ اما ابزار آن متکی بر نوعی تکلیف اجتماعی، دینی و فردی است که موجب داشتن این روحیه می‌گردد.

3. روحیه‌ی احساس تداوم نسبت به ایثارگری (تداوم‌گرایانه): نوعی آمادگی برای عمل است که اهداف ایثارگرانه‌ی مورد نظر را قبول داشته و ابزار رسیدن بدان، مبتنی بر اجبار و قرارگرفتن در شرایط است - که استمرار و پشتیبانی از هدف کلی را نشان می‌دهد.

4. روحیه‌ی احساس تردید نسبت به ایثارگری (تردیدگرایانه): نوعی احساس تردید در آمادگی برای عمل است که در عین این‌که نسبت به انجام اهداف ایثارگری و پرداختن به جنگ مردّد است، برای انجام آن بایستی از دیگران کمک گرفته شود.

5. روحیه‌ی احساس تضعیف نسبت به ایثارگری (تضعیف‌گرایانه): نوعی احساس مخالفت نسبت به اهداف ایثارگرانه در عمل و هدف است که نه تنها موافق عملکرد ایثارگران نمی‌باشد؛ بلکه مانع و مخلّ حل و رفع مسایل است.

طبق یافته‌های به‌دست‌آمده در بُعد روحیه‌ی تقیدگرایی، میانگین روحیه‌ی شهادت‌طلبی فرزندان ایثارگر برابر با $7/76$ و افراد عادی برابر با $6/78$ ، روحیه‌ی جانبازی آنان برابر با $7/13$ و در بین افراد عادی $5/84$ ، و روحیه‌ی اسارت آنان برابر با $6/41$ و در بین افراد عادی برابر با $5/24$ می‌باشد. مقایسه‌ی فرزندان ایثارگر و عادی در بُعد تکلیف‌گرایی نشان می‌دهد که میانگین روحیه‌ی توجه به احساس تکلیف فردی در بین آنان به‌ترتیب برابر با $7/29$ و $6/3$ ، احساس تکلیف دینی برابر با $7/36$ و $5/6$ و نیز احساس تکلیف اجتماعی برابر با $6/12$ در مقابل $5/65$ می‌باشد. در خصوص روحیه‌ی تداوم‌گرایی نیز، میانگین برخورداری از



روحیه‌ی همکاری و تحمل مشکلات در بین فرزندان ایثارگر و عادی به ترتیب برابر است با 6/89 و 6 و میانگین روحیه‌ی همکاری در پشت جبهه آنان به ترتیب 7/41 و 7/09 و روحیه‌ی همکاری با تشویق مردم در بین آنان برابر با 7/63 و 7/04 گزارش شده است. در بُعد تردیدگرایی، میانگین روحیه‌ی استفاده از داوطلب‌ها در بین فرزندان ایثارگر و عادی به ترتیب برابر با 3/75 و 3/65 و روحیه‌ی استفاده از شرکت نکرده‌ها در جنگ برابر با 6/61 و 7/4 می‌باشد. در بُعد روحیه‌ی تضعیف‌گرایانه نیز میانگین روحیه‌ی عدم مسؤولیت در بین فرزندان ایثارگر و عادی به ترتیب 2/38 و 2/81، روحیه‌ی ممانعت از دفاع برابر با 3/01 و 3/34 و روحیه‌ی مخالفت به ترتیب برابر با 2/7 و 3/49 گزارش شده است.

در مجموع، نتایج حاصل بیانگر آن است که از میان 15 شاخص مورد پرسش، «روحیه‌ی شهادت‌طلبی» با میانگین 7/76 بیش‌ترین اقدام و کنشی است که فرزندان شاهد و ایثارگر در صورتی که جنگ در کشور ما اتفاق بیفتد، انجام می‌دهند. در مقابل، در بین افراد عادی، آمادگی‌هایی از قبیل: داشتن روحیه‌ی استفاده از شرکت نکرده در جنگ 7/4 و داشتن روحیه‌ی همکاری در پشت جبهه 7/09، داشتن روحیه‌ی همکاری با تشویق مردم 7/04 دارای بیش‌ترین میانگین می‌باشند. این تفاوت در نتایج، از طریق آزمون t معنادار شده است؛ به نحوی که فرزندان ایثارگر دارای روحیه‌ی ایثارگری بالاتری هستند ($S=0/000$).



جدول 4-6: میانگین روحیهی ایثارگری بر حسب انواع شاخص‌ها

انواع روحیهی ایثارگری	شاخص‌های روحیه ایثارگری (برحسب طیف 1 تا 10)	فرزندان ایثارگر	افراد عادی	کل افراد نمونه
روحیهی تقیدگرایانه	حاضریم جانفشانی و شهادت‌طلبی کنیم.	7/76	6/78	7/18
	حاضریم جانبازی کنیم.	7/13	5/84	6/37
	حاضریم مشکلات و رنج اسارت را تحمل کنیم.	6/41	5/24	5/71
روحیهی تکلیف‌گرایانه	برای رفع تکلیف دینی هم که شده، مدتی به جبهه می‌روم.	6/36	5/6	5/9
	برای ادای دین به شهدا و ایثارگران مدتی به جبهه می‌روم.	7/29	6/3	6/7
	فضای جامعه طوری می‌شود که مدتی بایستی به جبهه بروم.	6/12	5/65	5/84
روحیهی تداوم‌گرایانه	حاضریم مشکلات و سختی دوران جنگ را تحمل کنیم.	6/89	6	6/36
	آماده‌ام در پشت جبهه کمک کنیم.	7/41	7/09	7/22
	حاضریم به تشویق مردم برای دفاع از کشور بپردازیم.	7/63	7/04	7/28



3/03	3/13	2/88	بایستی نیروهای نظامی از کشور دفاع کنند.	روحیه‌ی
3/69	3/65	3/75	کسانی که داوطلب هستند، به جبهه بروند.	تردیدگرایانه
7/08	7/4	6/61	بایستی کسانی که در جنگ با عراق شرکت نداشته‌اند، بروند.	
3/17	3/49	2/7	چندان احساس مسؤولیت نمی‌کنم.	روحیه‌ی
3/21	3/34	3/01	اهمیتی نمی‌دهم و مانع رفتن اعضای خانواده و بستگان می‌شوم.	تضعیف‌گرایانه
2/63	2/81	2/38	سعی می‌کنم برای مدتی از کشور خارج شوم.	
96	93	101	مجموع روحیه‌ی ایثارگری	

7-4. رابطه‌ی منزلت اجتماعی با فرهنگ ایثارگری

رابطه‌ی آماری بین وضعیت منزلت اجتماعی و فرهنگ ایثارگری $r=0/336$ معنادار گردیده است. این یافته، بدین معناست که فرزندان ایثارگری که میزان منزلت اجتماعی خود را در حد پایین بیان داشته‌اند، عمدتاً وضعیت کنونی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت را در سطح پایین‌تری ارزیابی نموده‌اند. به عبارتی: احساس می‌کنند ارزش‌ها و هنجارهای دفاع مقدس در حال از بین رفتن هستند و برعکس با داشتن نگرش مطلوب‌تر نسبت به این فرهنگ، منزلت اجتماعی بالاتری را برای خود قایلند. از سوی دیگر



نگرش فرزندان ایثارگر در قبال میزان منزلت اجتماعی شان تحت تاثیر نظرشان درباره وضعیت گسترش فرهنگ ایثارگری می باشد که به طور نمادین و مشروعیت بخش با آن ارتباط پیدا می کند. بدیهی است که هرگاه این نگرش تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار گیرد، منزلت اجتماعی خانواده ها آسیب پذیر می گردد.

جدول 4-7: آزمون همبستگی در خصوص رابطه ی منزلت اجتماعی با فرهنگ ایثارگری

منزلت اجتماعی	ضریب پیرسون
s=0/000 r=0/312	فرهنگ ایثارگری
N=1546	

4-8. رابطه ی منزلت اجتماعی با روحیه ی ایثارگری

نتایج به دست آمده در خصوص رابطه ی منزلت اجتماعی با روحیه ی ایثارگری نشان دهنده ی آن است که هرچه پاسخ گویان میزان منزلت اجتماعی خود را در حد پایین تری ارزیابی نمایند، عمدتاً از روحیه ی ایثارگری بالاتری برخوردارند و برعکس.

جدول 4-8: آزمون همبستگی در خصوص رابطه ی منزلت اجتماعی با روحیه ی ایثارگری



منزلت اجتماعی	ضریب پیرسون
s=0/000 r=0/336 N=1539	روحیه‌ی ایثارگری



بحث و نتیجه گیری

جنگ به عنوان یک رخداد مهم، پی آمدهای گسترده‌ی فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری را به همراه دارد. از این رو، هشت سال دفاع مقدس باعث شد که ارزش‌ها و هنجارهای نوینی در قالب فرهنگ ایثارگری نهادینه شوند. «در بستر فرهنگ، هر موضع به مجموعه‌ای از هنجارها یا انتظارات مربوط می‌شود. این انتظارات، رفتارهایی را مشخص می‌کنند که می‌توان از فردی که موضعی دارد در برابر فرد دیگری که موضع دیگری دارد و برعکس، انتظار داشت. مفهوم نقش به این انتظارات مربوط می‌شود» (دوچ و کراوس، 1374: 189). در واقع، بخش اعظم رفتار انسان در متن ساختی که رفتار فوق در آن صورت می‌گیرد قابل درک است و نه برحسب شخصیت افراد مورد نظر (لاور، 1372: 155)؛ اما با اتمام جنگ، فضای حاکم بر جامعه در چالش با نقش و کارکرد ارزش‌ها و هنجارهای گذشته قرار گرفت؛ به گونه‌ای که شاهد نوعی تحول از نگاه حماسی، احساسی و عقیدتی نسبت به جنگ به رویکرد عقلانی و انتقادی هستیم. طرفداران رویکرد ارزشی نخست، بر این اعتقادند که ارزش‌ها و هنجاری‌های ایثارگرانه را می‌توان در دوران صلح مورد بازخوانی، تولید و نمایش مستقیم قرار داد. در مقابل، رویکرد دوم، با نقد اوضاع گذشته؛ اما با برداشتی نوین، سعی در فهم بهتر آن دوران دارند. توجه به این دو برداشت در قالب نتایج حاصل از نظرات دانش‌آموزان و دانشجویان شاهد و ایثارگر در مقابل دانش‌آموزان و دانشجویان عادی سراسر کشور پیرامون منزلت اجتماعی خانواده‌ها در قالب دلهره‌ی منزلت، در سازوکار روابط نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی جامعه و تأثیرش بر کنش افراد قابل تحلیل و تبیین گردید.

در واقع، بحث دلهره‌ی منزلت از این حیث تحلیل گردید که فرزندان ایثارگر نگرش منفی‌تری نسبت به میزان پذیرش و احترام اجتماعی خود در جامعه احساس می‌کنند. نتایج تحقیق آقای احدی بیگلو پیرامون «وضعیت منزلت اجتماعی جانبازان» نیز با این



یافته هم سو می باشد. «مقایسه‌ی دیدگاه جوانان با جانبازان نشان می دهد که جوانان سطح منزلت جانبازان را در حد بلندمرتبه متمایل به میان مرتبه می دانند؛ در حالی که جانبازان سطح منزلت خود را در حد میان مرتبه ارزیابی می کنند. پس، از لحاظ سطح منزلت، یک طبقه تفاوت مشاهده می شود» (احدی بیگلو، 1386: 135). از سوی دیگر شرایط اجتماعی، اعتباری که به حق به فرزندان تعلق دارد، ادا نمی کند. به عبارتی: باور (احساس) و عمل کنشگران اجتماعی در تناقض با هم قرار می گیرند؛ چراکه، گرچه افراد عادی در بعد احساسی منزلت گرایش مثبتی دارند؛ ولی وقتی پای الزام و عمل در پیش می آید، با عدم ایفای نقش و نیز پی گیری حوزه‌ی انتفاعشان روبه رو می شویم. در این راستا، نتایج حاصل در زمینه‌ی معرفی شدن افراد به عنوان فرزند شهید، جانباز یا آزاده، نشان داد که حدود 7 درصد از فرزندان ایثارگر در مقابل 28/9 درصد از افراد عادی در سطح اصلاً و نیز 24/6 درصد از فرزندان ایثارگر در برابر 8/3 درصد از افراد عادی در سطح کاملاً بدین موضوع اشاره کرده اند. سایر نتایج نیز در خصوص «در نظر گرفتن سهمیه در کنکور دانشگاه برای فرزندان ایثارگر» نشان می دهد که از میان پاسخ گویان 34/2 درصد کاملاً مخالف و 10/7 درصد مخالف بوده اند (در مجموع 44/9 درصد) و در مقابل، 26/3 درصد کاملاً موافق و 13/2 درصد موافق (در مجموع 39/5 درصد) می باشند. هم چنین در خصوص «دادن امتیاز و سهمیه برای استخدام فرزندان ایثارگر» یافته ها نشان می دهد که 26/4 درصد کاملاً موافق و 15/2 درصد موافق (در مجموع 41/6 درصد) و در مقابل، 28/4 درصد کاملاً مخالف و 11/9 درصد مخالف (در مجموع 40/3 درصد) هستند. بنابراین، ملاحظه می گردد که یک نگرش قطبی نسبت به ارایه و ادامه‌ی سهمیه ها و خدمات به فرزندان ایثارگر از سوی افراد عادی وجود دارد.

در مجموع، ملاحظه می گردد که وجود برداشت منفی نسبت به منزلت اجتماعی خود از سوی فرزندان ایثارگر و داشتن نگرش متناقض از سوی افراد عادی مبنی بر عدم تمایل به دادن پاداش ها و امتیازات به خانواده ها باعث «دلهره‌ی منزلت» در بین



خانواده‌های شاهد و ایثارگر و حتی ایثارگران می‌گردد. البته با توجه به سه نوع دلهره‌ی منزلت می‌توان گفت: «ناهم‌آهنگی منزلت» بیش‌تر در بین ایثارگران و در مقابل «حاشیه‌ای‌شدن منزلت» و «کنارگیری منزلت» بیش‌تر در بین اعضای خانواده‌ها- به‌ویژه فرزندان ایثارگر- مشاهده می‌گردد.

وجه آسیب‌شناسانه‌ی این قضیه، از کارکردهای دلهره‌ی منزلت نشأت می‌گیرد. مالدینوفسکی استدلال می‌کند که اگر چه ناهم‌آهنگی منزلت‌ها واقعاً گرایش به هدایت مردم به‌سوی پشتیبانی از تغییر دارد؛ ولی از سویی، بین افرادی که مشخصه‌ی آن‌ها ناهم‌آهنگی منزلت‌هاست، نشانه‌های روانی جسمی افزایش یافته‌است. بدین ترتیب، در برخی موارد، دلهره‌ی منزلت، به‌جای آن که به دگرگونی بینجامد، صرفاً موجب افزایش اختلالات روانی می‌شود. به‌علاوه، آن‌هایی که دچار دلهره‌ی منزلت می‌شوند، ممکن است تسلیم بی‌هنجاری شوند و حاملان روندهایی گردند که به بی‌سازمانی اجتماعی می‌انجامد، نه به ابتکاری از نوع خلاق (التون، 1962: 469-480 و برت، 1964: 157 و 158).

در این میان، آثار و کارکردهای مختلف بحث دلهره‌ی منزلت اجتماعی در بین فرزندان ایثارگر از دو جنبه قابل تحلیل است؛ نخست این‌که وجود دلهره‌ی منزلت منجر به آسیب‌های روانی و مسایل اجتماعی می‌گردد. بر این اساس، وضعیت شرایط اجتماعی و طرز تلقی فرد شرایط متفاوتی را برای آن‌ها از نظر حیثیت اجتماعی ایجاد می‌کند که در صورت پیوند با آسیب‌های روانی و جسمی - به‌ویژه در بین ایثارگران- باعث بروز ناسازگاری پایگاهی می‌گردد که این امر به‌نوبه‌ی خود منجر به پدید آمدن تنش‌ها و فشارهای روانی مخرب و غیرقابل کنترل می‌گردد (Brown, 1988 & Strora, 1991). بنابراین، بخشی از آثار دلهره‌ی منزلت در بین خانواده‌ها را در قالب مسایل روانی، از خودبیگانگی و بی‌هنجاری رفتاری در بین فرزندان ایثارگر می‌توان مشاهده



نمود. این نکته، بدین معنی است که عده‌ای از فرزندان ایثارگر انتظار دارند بین جنبه‌های مختلف منزلت و بین منزلت‌های گوناگون‌شان هم‌آهنگی وجود داشته باشد. به عبارتی: اگرچه در شرایطی دوست دارند به‌عنوان خانواده‌های ایثارگر معرفی و شناخته شوند و حتی خودشان نیز بیش از افراد عادی این نقش را می‌پذیرند؛ اما با تغییر فضای جامعه و فاصله‌گرفتن از فضای جنگ، احساس می‌کنند ایفای چنین نقش‌هایی میسر نیست. پس، می‌توان عنوان نمود که بسیاری از آن‌ها تحت برخی از شرایط اجتماعی کم‌تر دوست دارند در مقام و منزلت یک فرزند شهید، جانباز یا آزاده نقش بازی کنند و هویت‌یابی نمایند.

جنبه‌ی دوم آثار دلهره‌ی منزلت، به ارتباط معنایی و نمادین منزلت اجتماعی خانواده‌های ایثارگر با نگرش آن‌ها نسبت به وضعیت کنونی گسترش فرهنگ ایثارگری برمی‌گردد؛ چنان‌چه مشاهده گردید، فرزندان ایثارگر نگرش چندانی مثبتی نسبت به وضعیت کنونی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه نداشتند. پس، سعی بر این دارند که ارزش‌ها و هنجارهای ایثارگرانه‌ی دوره‌ی جنگ در فضای صلح نیز حفظ کنند و ارزش‌ها و هنجارهای مذکور نیز، اهمیت، کارکرد و نقش گذشته را داشته باشند که این امر به‌نوبه‌ی خود عملکرد آن‌ها را با چالش مواجه می‌سازد. در این راستا، در خصوص روحیه‌ی ایثارگری پاسخ‌گویان نیز مشاهده گردید که افراد عادی جامعه، گرایش بیشتری به روحیه‌ی ایثارگری از نوع «تداوم‌گرایانه» در دوران صلح دارند و در مقابل، فرزندان ایثارگر حتی در دوران کنونی، تمایل بیشتری به «روحیه‌ی تقیدگرایانه» نشان می‌دهند. در واقع داشتن آمادگی از نوع شهادت‌طلبی از میان 15 شاخص از جمله یافته‌های مهم و کم‌تر مورد انتظاری است که در بین فرزندان ایثارگر مشاهده گردید. بنابراین، توجه و پرداختن به ارزش‌ها و هنجارهای جنگ - آن‌هم از نوع تقیدگرایانه- در فضای صلح، به‌منزله نارضایتی برخی از فرزندان شاهد و ایثارگراز فضای کنونی حاکم بر ارزش‌ها و هنجارهای ایثارگرانه می‌باشد تا بتوانند «دلهره‌ی منزلت» خود را به «ارتقای منزلت» تبدیل نمایند.



پایان

منابع

- احدی بیگلو، اصغر(1386)؛ بررسی نیازها و منزلت اجتماعی جانبازان و ارایه‌ی راه‌کارهای مناسب، طرح پژوهشی، کارفرما: معاونت پژوهش و ارتباطات بنیاد شهید و امور ایثارگران.
- لاور، رابرت اچ.(1373)؛ دیدگاه‌هایی درباره‌ی دگرگونی اجتماعی، ترجمه‌ی کاووس سیدامامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیرو، آلن(1373)؛ فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- بی، ارل(1386)؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی، علمی انتقادی، ترجمه‌ی محمدحسین پناهی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- توسلی، غلامعباس(1376)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- غیاثوند، احمد(1385)؛ بررسی میزان آگاهی، نگرش فرزندان ایثارگر نسبت به عملکرد ایثارگرانه‌ی پدران خود، طرح پژوهشی، کارفرما: معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران.
- _____(1386)؛ بررسی میزان آگاهی، نگرش جوانان نسبت به عملکرد ایثارگران و مقایسه‌ی آن با نظرات فرزندان ایثارگر، طرح پژوهشی، کارفرما: معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران.
- کرایب، یان(1378)؛ نظریه‌ی اجتماعی مدرن: از پارسنز تا هابرماس، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: آگاه.



- دوچ، مورتون (1374)؛ نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی مرتضی کتبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- گیدنز، آنتونی (1385)؛ مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.

- ریترز، جرج (1374)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.

- رفیع‌پور، فرامرز (1380) توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- چلبی، مسعود (1383)؛ چارچوب مفهومی طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

- ملک، حسن (1383)؛ جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: انتشارات پیام نور.

- لیپست، مارتین و همکاران (1381)؛ جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه‌ی جواد افشار کهن، تهران: نشر

نیکان.

- Berger, J. et al (1992); Status Inconsistency In task Situation: A Test of Four Status

Processing Princi 43-855., American Sociological Review, 276, Dec.

- Gerhard, E. Lenski (1954); Status Crystallization: A Non-Vertical Dimension, American

Sociological Review, XIX.

- Elton, Jackson (1962); Status Consistency and Symptoms of Stress, American

Sociological Review, XXVII.



- Bert, F Hoselitz (1964); A Sociological Approach to Economic Development, in Development and Society ed. David E. Novack and Robert Lekachman (New York: st. Martin' Press.
- Bandura, Albert (1983); Social Foundations of Thought and action, New Jersey: Prentice-Hall.
- Dewey, Richard. Humber W, j. (1966); An Introduction to Social Psychology, New York: MacMillan Company.
- Deaux, k. et al (1979); Social Psychology. Pacific Grove (U.S.A): Cole Publishing Company.
- Robert, H. et al (1993); Sociology of Health and Illness. Vol, 15, No, 4.
- Parsons, T. et al (1951); Toward a General Theory of Action, Massachusetts: Harvard University Press.
- Horton, P.B et al (1984); Sociology. New York: Mc Graw-Hill.
- Hellriegel. D. et al. (1989) Organizational Behavior. New York: West Publishing Company.